

همان‌طور که در مقدمه مؤلف آمده است، کتاب حاضر با تکیه بر رابطه بنیادی مدیریت و روان‌شناسی، به ابعاد مختلف روان‌شناختی مدیریت پرداخته است و در هر فصل، یکی از این جنبه‌ها را مطرح کرده و از توضیح رابطه آن با مدیریت غافل نمانده است. در این مسیر، همان‌طور که در مقدمه مؤلف آمده است، پژوهش‌های مهم و نظریه‌های مطرح در این رشته، به غنای موضوع افزوده‌اند. امید که بتواند به عنوان یک منبع جامع، مورد استفاده مدرسان دوره‌های مدیریت قرار گیرد و نیازهای مدیران را در زمینه شناخت رفتار سازمانی، تأمین کند. در پایان لازم می‌دانم از تمام کسانی که مرا در ترجمه کتاب حاضر یاری رساندند و به‌ویژه جناب آقای احمد بورقانی که به روان‌سازی متن فارسی آن کمک کردند، سپاس‌گزاری کنم.

سید کمال خرازی

مقدمه مترجم

به‌رغم تعاریف متعددی که از مدیریت شده است، می‌توان وجوه تشابهی را در بین همه آن تعاریف دید. در اکثر تعاریف، مدیریت فرایندی است که با منابع انسانی و مادی سروکار دارد و سمت‌گیری آن، دستیابی به اهداف مشترکی است که فعالیت مدیران سطوح مختلف و کارکنان را معنا می‌بخشد. بر این اساس، مدیران با افراد و گروه‌ها سروکار دارند و بدیهی است که هماهنگ‌سازی فعالیت آنها در جهت تحقق اهداف سازمان، یکی از مهم‌ترین وظایف هر مدیر است، اما، چگونگی انجام این مهم، مسئله اصلی است، زیرا، هر اندازه که مدیر در انجام وظیفه‌ای که بر عهده دارد، کارآمدتر باشد، مسلماً بهره‌وری، کارایی و اثربخشی کارکنان نیز، بیشتر خواهد بود.

در مقابل، روان‌شناسی نیز با رفتارهای انسانی سروکار دارد و ما را با دلایل و ریشه‌های رفتار انسان در صحنه‌های مختلف زندگی، از جمله محیط کار، آشنا می‌سازد. به این ترتیب، اثبات رابطه تنگاتنگ این دو حوزه، کار مشکلی نیست. اگر مدیران با اصول و مبانی روان‌شناختی رفتار سازمانی آشنا باشند و مبانی روان‌شناختی مهارت‌های مدیریتی را فراگیرند، می‌توانند وظایف خود را به صورتی مؤثرتر و کارآمدتر انجام دهند و در نتیجه، اثربخشی و بهره‌وری کارکنان را افزایش دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد، امروزه در برنامه‌های آموزش مدیریت، آشنایی با اصول و مبانی روان‌شناختی مدیریت، جایگاه خاصی پیدا کرده است و بسیاری از مباحث این علم، از جمله رفتار سازمانی، پویایی گروه، انگیزش، رهبری، ارتباطات و غیره ... در این دوره‌ها تدریس می‌شوند تا مدیران آینده با جنبه‌های روان‌شناختی مدیریت، آشنا شوند. مؤلف کتاب حاضر نیز، با همین هدف، اقدام به تألیف این کتاب کرده است و به همین منظور، کتاب به فارسی ترجمه شده است.

درباره کتاب

استفاده از روان‌شناسی در آموزش مدیریت

بسیاری از اصول بنیادی روان‌شناسی، مبانی آموزش مدیریت را شکل می‌دهند. اهداف کتاب کاربرد روان‌شناسی در آموزش مدیریت، ارائه آن دسته از ایده‌ها و یافته‌های جامع تحقیقی به مربیان و دانش‌پژوهان مربیگری است که رابطه بیشتری با کار آنها دارد.

سه حوزه اصلی در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته و مثالهایی همراه با آنها ارائه شده است که عبارت‌اند از:

● فرایندهای روان‌شناختی یادگیری، شخصیت و انگیزش که محور اصلی درس روان‌شناسی مدیریت است.

● فرایندهای اجتماعی- روان‌شناختی پویایی گروه‌ها، رهبری و فشار روانی ناشی از کار که همگی حاصل تعامل افراد با یکدیگر در محل کار هستند.

● روان‌شناسی تجربه‌های واقعی آموزش، از جمله آموزش مهارت‌های ارتباطی و سایر آموزشهایی که برای تأمین نیازهای سازمانی ضروری هستند.

کتاب کاربرد روان‌شناسی در آموزش مدیریت با واژه‌نامه تخصصی جامع در مورد اصطلاحات ناآشنا و پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر در پایان هر فصل، ترکیب‌بندی روشن و قابل درکی دارد.

دیوید استات مدیر آموزشی مدرسه بازرگانی ادینبورگ، دانشگاه وات هریوت است. او به عنوان مدیر، استاد و محقق، در بریتانیا و ایالات متحده کار کرده است. کتابهای قبلی وی عبارت‌اند از: روان‌شناسی دنیای کار (۱۹۹۴)، درک مشتریان (۱۹۹۷)، فرهنگ مختصر واژه‌های روان‌شناسی (۱۹۹۸) و فرهنگ مختصر واژه‌های مدیریت (۱۹۹۹).

مقدمه

ما با قرار دادن آموزش در بستر کار، آغاز می‌کنیم، به بررسی معنای آموزش پرداخته و رابطه بین آموزش‌دهنده و آموزنده را مورد توجه قرار خواهیم داد. این فصل شامل تحلیلی درباره الگوی غالب مدیریت است که بر نحوه تفکر مدیران درباره نقش خودشان و تأثیر آن بر نگرش ایشان در مورد آموزش تأکید دارد.